

واکاوی مجاورت در حرمین شریفین با تاکید بر مجاورت ایرانیان در دوره صفویه

۱- اعظم خانی محمدآبادی، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

khani.a1981@yahoo.com

۲- ناصر جدیدی، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسؤول)

jadidinaser@yahoo.com

۳- سهیلا ترابی فارسانی، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

tfarsani@yahoo.com

چکیده

مجاورت در حرمین شریفین از دیرباز برای مسلمانان جایگاهی ویژه داشته است و بیشتر مسلمانان در تلاش بودند تا با وجود سختی های زیارت حرمین، به کسب این فیض الهی نائل شوند و با توجه به فضای معنوی و علمی خاص دو شهر مکه و مدینه مدت زمانی را به مجاورت در کنار دو حرم امن الهی اختصاص دهند. بر این اساس در پژوهش حاضر سعی گردیده تا با روش توصیفی- تحلیلی، به واکاوی مجاورت ایرانیان در حرمین شریفین در دوره صفویه پرداخته شود و به این پرسش مهم پاسخ داده شود که عوامل افزایش تعداد مجاورین ایرانی دوره صفویه در حرمین شریفین چه بوده است و این مجاورین در طول مدت مجاورت در حرمین به چه کارهایی می پرداختند؟ یافته های پژوهش بیانگر آن است که در دوره صفویه شمار مجاورین ایرانی حرمین شریفین افزایش چشمگیری داشته است و در میان اقدامات انجام شده توسط مجاورین، آثار مکتوب و غیر مکتوب ایرانیان جلب توجه می نماید. تالیف و استنساخ کتاب، تجدید بنای کعبه، اجازه های فقهی و روایی، تدریس و جلسات و محافل علمی دانشمندان ایرانی این دوره، عمق حضور این عالمان را در جوار دو حرم الهی نشان می دهد به گونه ای برخی از عالمان ایرانی در مکه نقش مهمی در گسترش و رشد علوم مهمی نظیر حدیث و فقه ایفا کرده اند.

واژگان کلیدی: مجاورت، حرمین شریفین، مکه مکرمه، ایرانیان، دوره صفویه

۱- مقدمه

با تاسیس حکومت صفویه (حک ۱۱۳۸ - ۹۰۷ق)، تغییرات ژرف و بنیادینی در حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مخصوصاً مذهبی جامعه پدید آمد. به رسمیت شناختن تشیع امامی به عنوان مذهب رسمی و هم جواری ایران با ترکان عثمانی و سیطره حکومت عثمانی (حک ۱۳۴۰ - ۶۷۸ق؛ ۱۹۲۲ - ۱۳۰۰م) بر حرمین شریفین همواره حج گزاری ایرانیان را با مخاطراتی همراه می ساخت. این مخاطرات منحصر به مسیر حج نبود و حاجیان شیعه و مخصوصاً شیعیان ایرانی از امنیت کافی در سرزمین مکه و مدینه نیز برخوردار نبودند. با وجود سختی ها و مشکلاتی که حجاج ایرانی در حرمین شریفین با آن روبه رو بودند، شمار ایرانیانی که هر ساله به حج می رفتند کم نبود. بسیاری از این ایرانیان به علت بستر مناسبی که در دو شهر مکه و مدینه برای پرورش و رشد استعداد و نبوغ مشاهیر اسلامی و به ویژه مشاهیر شیعه و رشد معنوی آنان وجود داشت، سکونت در جوار حرمین شریفین را برای مدتی کوتاه و یا طولانی بر می گزیدند و در مکه یا مدینه مجاور می شدند.

در این نوشتار تلاش شده است به واکاوی مجاورت ایرانیان در حرمین شریفین با تأکید بر دوره صفویه یعنی بین سالهای ۹۰۷ تا ۱۱۳۵ ق پرداخته شود و برای این امر از منابع مختلفی اعم از تاریخ عمومی، تاریخ سلسله ای، تاریخ محلی و شرح حال ها و همچنین منابع تحقیقاتی استفاده شده است. این واکاوی به صورت تک نگاری در پژوهش های گذشته بسیار کم رنگ بوده و تنها در برخی کتاب ها و پایان نامه ها و مقالات همچون کتاب «صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست» از رسول جعفریان و پایان نامه «حج در دوره صفویه» از معصومه کامگار و مقاله «اقامت در مکه: مجاورت یا سکونت دائم در مکه»^۱ از حسین علی پور و مقاله «همسایگان خانه خدا»^۲، اشاره ای بسیار مختصر به موضوع شده است که با توجه به اینکه هر یک به بررسی تعداد محدودی از مجاورین ایرانی در دوره صفویه و یا دوره های دیگر پرداخته اند، این پژوهش می تواند با تفکیک اقدامات مجاورین ایرانی و دلایل آن مطالب مفیدی را در این خصوص بیان کند. همچنین در کتاب «التراث المکی» اثر ارزنده حسین واثقی به بررسی اجازه ها، استنساخ ها و تالیف هایی که توسط عالمان و دانشمندان در مکه صورت گرفته ، پرداخته شده است ولی با وجود بهره گرفتن نگارنده از مطالب این کتاب، موضوع مجاورت ایرانیان به طور خاص در این کتاب بیان نشده است. علاوه بر کتب مقالاتی که به بررسی عالمان و دانشمندان شیعی و امامی در قرن یازدهم و دوازدهم پرداخته اند، به مساله مجاورین شیعی و امامی نیز اشاره کرده اند چنانکه مقاله «دانشمندان و کتاب های شیعه در مکه مکرمه در قرن یازدهم هجری قمری»^۳ نوشته حسین واثقی و مقاله «جایگاه آثار اندیشمندان امامی مکی در گسترش فضای علمی در مکه در قرن ۱۱ و ۱۲»^۴ نوشته نعمت الله صفری فروشانی و عمار ابوطالبی هر یک به موضوع عالمان شیعی و امامی

۱. حسین پور، (۱۳۹۲)، علی، اقامت در مکه: مجاورت یا سکونت دائم در مکه، دانشنامه حج و حرمین شریفین، ج ۳: صص ۳۵-۳۹

۲. پاسدار اسلام، (اسفند ۱۳۷۶ و فروردین ۱۳۷۷)، همسایگی خانه خدا، شماره ۱۹۵، صص ۶۶-۶۳

۳. واثقی، حسین، (۱۳۸۴)، دانشمندان و کتاب های شیعه در مکه مکرمه در قرن یازدهم هجری قمری، میقات حج، ش ۵۲: ۵۲-۲۳

۴. ۱. صفری فروشانی و ابوطالبی، نعمت الله و عمار، (۱۳۹۴)، جایگاه آثار اندیشمندان امامی مکی در گسترش فضای علمی در مکه در قرن ۱۱ و ۱۲ هجری قمری، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۱۸: صص ۴۶-۷

ساکن مکه پرداخته اند ولی مجاورت ایرانیان دوره صفوی به صورت مشخص مورد بررسی قرار نگرفته است؛ لذا انجام پژوهشی که بتواند جامع تر به این موضوع بپردازد، ضروری به نظر می رسد.

۲- مفهوم شناسی

۲-۱- مجاورت

مجاورت یعنی اینکه انسان در شهر دیگری غیر از موطن خویش مدت قابل توجهی ساکن شود اما آنجا را وطن خود قرار ندهد که این نوع از سکونت غیر از اقامت است. (صفری فروشانی و ابوطالبی، ۱۳۹۴، ۱۸: ۹)، طریحی (۱۰۸۷ق) می گوید: ... جاورته مجاوره... إذ لاصقته فی المسکن. (طریحی، ۱۳۶۲، ۱: ۴۲۶)

در احادیث اسلامی برای کسی که مجاور مکه باشد، پاداش ارزشمندی بیان گردیده است، یکی از این پاداشها مغفرت است، اما این مغفرت ویژگی خاصی دارد و آن این که فقط شامل شخص مجاور نمی شود بلکه خانواده او، دعا کنندگان برای او، طایفه او و تمامی همسایگان او را هم در بر می گیرد، امام باقر علیه السلام فرمود:

«کسی که یک سال مجاور مکه باشد خداوند گناه او، اهل بیتش، تمام کسانی که برای او استغفار کردند، عشیره اش و همسایگانش را به مدت نه سال خواهد بخشید. همچنین خداوند آنها را به مدت صد و چهل سال از هر گزند در امان می دارد، اما رجوع از مکه از مجاورت در آنجا افضل است.» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ۹: ۳۴۰)

در اینجا سئوالی به ذهن می رسد و آن این که در آغاز حدیث، ثمرات و آثار مجاورت در مکه را بیان می کند اما در پایان می فرماید: «بازگشت از مکه از مجاورت در آنجا افضل است؛ در توضیح این مطلب باید بیان شود که مجاورت در مکه دو گونه است؛ کوتاه مدت و بلندمدت. اقامت در مکه اگر زمان کوتاهی داشته باشد یعنی از یک سال تجاوز نکند، دارای فضیلت بالایی است که در حدیث پیش بیان شد، اما اگر مجاورت در مکه طولانی شود، مکروه است؛ شاید سر این مطلب این نکته باشد که حرمت مکه بسیار بالاست و این موجب می شود که حقوق عظیمی بر عهده انسان بیاید، ولی انسان نمی تواند از عهده آن برآید و آهسته آهسته انجام این عهود و حقوق کمرنگ می شود و به دنبال آن دلمردگی و تاریکی درونی بر قلب انسان مسلط خواهد شد. (فعالی، ۱۳۸۶: ۷۵ و ۷۶)

۲-۲- دوره صفویه

صفویه یا صفویان (حک ۹۰۷-۱۱۳۵ق) دوره ای از تاریخ کشور ایران است که توسط حاکمان شیعه ایران با رسمی کردن مذهب شیعه تشکیل گردید. این دوره از مهم ترین دوران تاریخی ایران به شمار می آید، زیرا با گذشت ۹۰۰ سال پس از نابودی شاهنشاهی ساسانیان؛ یک پادشاهی متمرکز ایرانی توانست بر سراسر ایران آن روزگار فرمانروایی نماید. در دوره صفویه ایران از ثبات و یکپارچگی برخوردار گردید و در زمینه جهانی نام آور شد؛ علاوه بر آن در زمینه های نظامی، فقهی و هنری

پیشرفت هایی به دست آورد، دعوت از فقهای به نام شیعه مخصوصاً از جبل عامل لبنان باعث شد تا پشتوانه فکری و عقیدتی این حکومت شیعه بنیادین شود و این امر توانست زمینه پرورش عالمان معروفی از بین ایرانیان را فراهم کند.

۳-۲- ایرانیان

در این نوشتار کسانی که در سرزمین ایران دوره صفویه متولد شده اند و یا از پدر و مادر ایرانی متولد شده اند را ایرانی به حساب آورده ایم و به بررسی ایرانیان مجاوری پرداخته ایم که در محدوده زمانی حکومت صفویه یعنی بین سالهای ۱۱۳۵-۹۰۷ ق در مکه مجاورت داشته اند. لازم به ذکر است در قسمت پیشینه به بررسی مجاورت در حرمین شریفین به طور کلی پرداخته شده است.

۳- پیشینه مجاورت در حرمین شریفین قبل از دوره صفویه

بر پایه منابع جغرافیایی و تاریخی، پیشینه اقامت در مکه به گذشته های دور باز می گردد؛ حضرت آدم علیه السلام چون به زمین هبوط کرد محزون و اندوهگین به نظر می رسید و از نگرانی خویش شکوه داشت. خداوند ضمن آنکه او را به ساختن خانه کعبه فرمان داد، به او سفارش نمود که برای رهایی از این حالت مجاورت خانه کعبه را برگزیند و اینگونه آرامش خویش را به دست آورد و با اقامت در جوار این جایگاه معنوی و پرداختن به عبادت، به نشاط روحی خاصی رسید. (ابن رسته، ۱۸۹۲م، ۱: ۲۵) حضرت نوح علیه السلام نیز قبل از طوفان سهمگین به این مکان آمد و در مجاورت آن اقامت گزید و ضمن انجام طاعات و عبادات به زیارت کعبه نیز پرداخت. (أزرقی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۵۱) پس از طوفان نوح، کعبه ویران گردید و موضع آن تا زمان حضرت ابراهیم علیه السلام تپه ای سرخ رنگ بود که مردم تصور می کردند این موضع جایگاه سابق خانه خدا بوده است. در این مدت مظلومان و پناهندگان از اطراف بدان روی می آوردند و هر کس گرفتار محتنی بود مدتی در مجاورت آن می ماند و به دعا و تضرع می پرداخت ولی به دلیل نبودن امکانات، مدت اقامت آنان طولانی نبود. (أزرقی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۵۳)

بعد از حضرت نوح علیه السلام هاجر همسر حضرت ابراهیم علیه السلام و فرزندش اسماعیل علیه السلام را می توان نخستین مجاورین خانه خدا دانست که با مجاورانشان و جاری شدن چشمه زمزم، مجاورت در جوار خانه خدا رونق یافت و پس از آنها جرهمیان مجاورت و سکونت کنار خانه خدا را برگزیدند. (البلاذری، ۱۴۷۱ق، ۱: ۷) با مجاورت جرهمیان، اسماعیل علیه السلام بین آنها بزرگ شد و زبان عربی را که زبان جرهمیان بود آموخت و سپس از میان آنها زنی را به همسری برگزید و از او صاحب پسرای گردید. (طبری، ۱۳۷۵، ۱: ۱۹۴-۱۹۵؛ مسعودی، ۱۳۷۴، ۱: ۳۴) بعد از مرگ اسماعیل، برخی پسرانش عهده دار امور کعبه شدند و بعد از آن جرهمی ها بر این امور مسلط گردیدند اما در سده های بعد قوم جرهم رفته رفته در شهر مکه دست به ظلم و تعدی زد و قسمتی از آنچه بر ایشان حرام بود حلال دانسته، کسانی که به آن مکان مقدس وارد می شدند را می آزرند و هدایائی که مردم برای خانه کعبه می آوردند به یغما می بردند. این جریانات موجب شد که از صولت

و قدرتشان کاسته شود، (و سایر قبائل عرب که آرزوی حکومت مکه را در سر می‌پروراندند بر آنان حمله کنند) و به همین جهت دو قبیله از قبائل عرب به نامهای بنو بکر بن کنانه، و غبشان که از طائفه خزاعه بودند بر آنان حمله کردند، و پس از جنگی که با جرهم کردند بر آنان غالب شده و آنان را از شهر مکه بیرون راندند. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ۲: ۷۵)

پس از آن در طول تاریخ پر فراز و نشیب اسلام، عالمان و دانشمندان و افراد عادی بسیاری از نقاط گوناگون به مکه آمدند و مدت مدیدی را در مجاورت خانه خدا به راز و نیاز و عبادت و فعالیت های علمی و فرهنگی پرداختند، یکی از مجاورین صاحب نام در تاریخ، سعید بن جبیر (د ۹۵ق) است که در روزگار امارت حجاج بن یوسف (د ۹۵ق) از دست او گریخت و سپس به مکه رفت و سالها آنجا مجاور بود. (مستوفی، ۱۳۶۴: ۲۸۰) از دیگر مجاورین خانه خدا می توان به ابو عبیدالله یعقوب بن داوود سلمی (د ۱۸۶ یا ۱۸۷ق) از شخصیت های شیعی قرن دوم اشاره نمود که ابتدا از یاران ابراهیم بن عبدالله (د ۱۴۵ق) معروف به قتیل باخمرا بود و پس از آزاد شدن از زندان به وزارت مهدی عباسی (حک ۱۶۹-۱۲۶ق) رسید اما به خاطر ارتباطی که با علویان داشت مجدداً به زندان افتاد تا اینکه هارون الرشید (حک ۱۹۳-۱۴۵ق) او را آزاد نمود. یعقوب پس از آن مجاورت در کنار خانه خدا را انتخاب نمود: «ای امیر المؤمنین دیگر برای من رغبت و لذتی باقی نمانده است، میل دارم مجاور مکه باشم آنگاه به فرمان هارون آنچه مورد نیاز من بود فراهم کردند. پس از آن یعقوب به مکه رهسپار شد، و در آن جا مجاورت گزید، ولی روزگاری چند باقی نماند تا آنکه در سال صد و هشتاد و شش در گذشت.» (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۲۵۱-۲۵۵) البته هارون الرشید در همه موارد هم با مجاور شدن افراد موافقت نمی کرد چنانکه وقتی یحیی برمکی (د ۱۸۹ق) از او اجازه مجاور شدن در مکه را خواست، هارون مخالفت نمود: «یحیی چون پیر شد استعفا کرد و از رشید درخواست که من ضعیف شدم و دستوری ده تا به مکه شوم و مجاور بنشینم؛ رشید اجابت نکرد...» (بلعمی، ۱۳۷۳، ۴: ۱۱۹۳) حسین بن منصور بن محم (حلاج) (د ۳۰۹ق) از بزرگان دیگری است که مدتی مجاورت در مکه را برگزید. (طبری، ۱۳۷۵، ۱۶: ۶۸۸۶) وزیر مقتدی (۴۸۷-۴۶۷ق)، هم بعد از عزل شدن از وزارت، ابتدا به مکه و سپس به مدینه رفت و در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله مجاور گشت. (مجهول المؤلف، بی تا، ۳۸۴) از جمله مشهورترین افراد مجاور در قرن ششم هجری می توان به محمود بن محمد خوارزمی منسوب به زمخشری (د ۵۳۸ق)، عالم مسلمان فقیه و مفسر معروف اهل ایران اشاره کرد که به علت مجاورتش در جوار خانه خدا به «جار الله» (همسایه خدا) معروف شد. (الفاسی، ۱۴۱۹ق، ۶: ۳۷)

۴- عوامل گسترش مجاورت در حرمین شریفین تا دوره صفویه

مجاورینی که در شهرهای زیارتی ساکن بودند، چون اغلب درآمدی برای گذران زندگی نداشتند از محل نذرها و موقوفاتی که برای آنان می شد زندگی را می گذراندند البته وضعیت زندگی آنان تحت تاثیر عوامل متعددی قرار داشت، از جمله مواردی که در وضعیت زندگی مجاورین تاثیر بسیار داشت گرانی و ارزانی مایحتاج بود. در سالهایی که گرانی زیاد می شد مجاورین در وضعیت سختی قرار می گرفتند و گهگاه ناچار به ترک مکه و سکونت در شهرهای دیگر مثل مدینه می شدند.

(ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۲۵۵) به منظور بهبود وضعیت مجاورین، رسیدگی به وضعیت آنان از کارهایی بود که اکثر خلفا و سلاطین بدان می پرداختند؛ نمونه آن معتضد عباسی (حک ۲۸۹-۳۴۲ق) است که در راستای مرتفع ساختن نیازهای مجاورین حرمین اقداماتی انجام داد. (ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ۶: ۴۸۱) عضد الدوله دیلمی (حک ۳۷۲-۳۲۴ق) نیز پس از رسیدن به قدرت به مجاورین حرم الهی توجه ویژه نمود. (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ۲۱: ۱۲۰)

از خاندانهای شیعی دیگری که به مجاورین حرم مکه و مدینه توجه نمودند می توان به آل حسنویه^۱ اشاره نمود. حسنویه (حک ۳۶۹-۳۴۸ق) بنیانگذار این حکومت به امور حرمین توجه ویژه ای داشت و برای مردم و مجاورین حرمین اتفاق ها و هدیه های بسیار می فرستاد (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ۲۱: ۱۲۲). همچنین بدر بن حسنویه (حک ۴۰۵-۳۶۹ق) در هیچ سالی از ارسال مال برای حرمین خودداری نمی کرد، وی سالانه صد هزار دینار برای مجاورین حرمین، تعمیر آب انبارها و تهیه آب و بازسازی چاه های آب یا به تعبیر برخی، برای رفع نیازها و مصالح راه حجاز، اتفاق و صرف می کرد. (حنبل، ۱۴۰۶ق، ۵: ۲۹).

در سفری که سلطان ملک شاه سلجوقی (حک ۴۸۵-۴۶۵ق) به ترغیب خواجه نظام الملک (د ۴۸۵ق) به مکه نمود، مدت هفت روز در مدینه توقف نمود و «سادات و اهالی و مجاورین روضه مطهره مقدسه را بنوازش و تشریف لایق مشرف گردانید.» (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۳۱؛ مستوفی باقی، ۱۳۸۵، ۱: ۷۵) توجه به مجاورین حرم الهی مخصوص حاکمان و سلاطین نبود بلکه برخی از افراد متمول که به حج می رفتند به مجاورین توجه ویژه نشان می دادند همانگونه که جمیله دختر ناصرالدوله حمدانی (د حدود ۳۷۳ق) در سال ۳۶۶ ق همراه دو برادرش به حج رفتند. در این سفر که به علت بزرگ بودن کاروان حج به حبی نمونه شناخته می شود، جمیله به مجاورین دو حرم مکه و مدینه بخششها نمود و آن ها را بی نیاز ساخت. (ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ۶: ۴۷۷؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ۲۶: ۲۶۴)

برخورد خوب حاکمانی که در مکه به قدرت می رسیدند از عوامل تاثیرگذار بر تعداد مجاورین حرم الهی بود چنانکه در سال ۷۶۰ ق هنگامی که احمد بن عجلان بن رمیثه بن ابی نمی (د ۷۸۸ق) در مکه به حکومت رسید، دادگری را پیشه نمود و به مجاورین توجه نمود: «دست ستمگران و حواشی و بندگان ایشان که مرتکب قتل و غارت مردم بویژه مجاورین می شدند کوتاه کرد.» (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ۴: ۷۰۲)

وجود شرفای مقتدر در مکه هم از عواملی بود که موجب امنیت مکه و افزایش تعداد مجاورین می گردید چنانکه درایت و استقامت ابونمی (حک ۷۰۱-۶۶۷ق) در مکه، موجب شده بود اعراب و اهالی به شدت از او حساب ببرند و حتی حُجَّاج و مجاورین در مکه هم حرمتش را حفظ می کردند و صاحب منصبان عثمانی هم منزلت او را می شناختند. طی سالهای طولانی حکومت وی، مکه در آرامش کامل به سر می برد. (سباعی، ۱۳۸۵: ۴۴۰)

^۱ حَسَنَوِیه یا حَسَنَوِیه بن حسین، بنیانگذار حکومت خاندانی شیعه مذهب، از کردان بَرزَکَانی ایران است که حدود نیمه دوم سده ۴ ه. ق بر قسمت هایی از جبال و کردستان و لرستان فرمان راندند. نفوذ و اقتدار این خاندان تا حدود خوزستان و آذربایجان رسید و حکمرانی آنان بیش از شصت سال به طول انجامید. (باسورث، ۱۳۸۱: ۳۸۰)

از نکات جالب توجه در مورد مجاورین حرمین شریفین، توجه دائمی به آنان از طرف برخی سلاطین توسط وقف های ماندگار بود، تیمور گورگانی (حک ۸۰۷-۷۷۱ق) برای اطمینان از رسیدگی به وضعیت مجاورین حرمین، روستایی در هرات به نام «اندخود» را وقف حرمین شریفین مکه و مدینه نمود و هر ساله گماشتگان مجاورین حرمین به آنجا آمده مبلغ زیادی که از آن روستا به دست می آمد، می گرفتند و در مواردی هم این مبلغ توسط معتمدان برای مجاورین ارسال می گردید. (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸، ۱: ۱۷۱)

۵- مجاورت ایرانیان در حرمین شریفین در دوره صفویه

در قرن دهم هجری قمری پس از پایان یافتن سیطره امارت ممالیک (حک ۹۲۳-۶۴۷ق) بر مکه و تسلط عثمانی ها و شمول نفوذشان در حرمین، بار دیگر باب هجرت به مکه باز شد. شرایط نابسامان حکومت ممالیک در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم و بالاخص هرج و مرج و نا امنی حاکم بر جامعه که برخی از آنها به اقدامات نسنجیده یا زیاده خواهی های خود ممالیک بازمی گشت منجر به نا امنی راهها و رفت و آمد کمتر مردم گردیده بود چنانچه ابن ایاس مورخ این عصر (د ۹۲۰ق) در ذیل حوادث سال های ۸۸۸، ۸۹۱، ۹۰۵، ۹۱۳ و ۹۱۸ هجری به طور مکرر از هجوم ممالیک به مردم و غارت آنها پرده بر می دارد. (ابن ایاس، ۱۴۰۲ق: ۲۷۷ و ۲۷۸) با برقراری امنیت در دوره عثمانی، راه رسیدن به مکه از نقاط مختلف جهان اسلام در مقایسه با دوره قبل بیشتر فراهم گشت، تعداد مجاورین زیادتر شدند و دسته های مختلفی از آنان به مکه آمدند. برخی برای عبادت و زهدورزی، برخی برای رفتن به تکایا و بهره مندی از نذورات و برخی هم برای کسب و کار در شهری که تصور می شد به روی آنان گشوده است، به این شهر آمدند. عالمانی هم بودند که در پی کسب لذت مجاورت بیت الله الحرام بوده و علاقه مند بودند تا دانش خویش را در آنجا بگسترند. این دسته بودند که کار تعلیم را در این شهر در اوائل دوره عثمانی رونق بخشیدند و توانستند در مشارکت با علمایی که از اهالی مکه بودند، نام خاندان های تازه ای را به خاندان های اهل علم پیشین بیفزایند. (سباعی، ۱۳۸۵: ۵۵۲) حضور و مجاورت دانشمندان ایرانی شیعه در حرمین در دوره صفویه و مخصوصا در نیمه اول قرن یازدهم هجری، از مسائل قابل توجهی است که باعث شده علامه سید حسن صدر (د ۱۳۵۴ق)، مکه را در آن روزگار منزلگاه علمای شیعی بداند. (صدر، ۱۴۲۹ق، ۵: ۲۴۵) همین کثرت شیعیان است که ابن حجر هیتمی^۱ (د ۹۷۴ق) را به وحشت انداخته آنچنان که در مقدمه کتابش آورده: «من این کتاب را به دلیل اینکه در شهر مکه شیعه خیلی زیاد بود، نوشتم» (هیتمی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۵)

۶- عوامل گسترش مجاورت ایرانیان در حرمین شریفین

از دلایل عمده زیاد شدن حضور حجاج شیعی علی رغم مشکلاتی که این حجاج در حرمین با آن روبه رو بودند، می توان به آزادی نسبی در سرزمین مکه اشاره کرد که در آن عالمان شیعی علاوه بر عبادت، می توانستند به کار تعلیم و تعلّم و تألیف و نسخه برداری کتب مذهبی پردازند و بازار علوم مذهبی شیعی را در مکه رونق دهند.

۱. نویسنده شافعی مذهب که در کتابش «المواعق المحرقة علی اهل البدع و الضلال و الزندقه» به ردّ و ابطال عقاید و تاریخ تشیع پرداخته است.

شرفای مکه در قرن یازدهم هجری قمری نقش موثری در امنیت مکه و افزایش شمار مجاورین داشتند چنانکه با شروع حکمرانی حسن بن ابی نمی (د ۱۰۱۰ ق) در سال ۹۹۲ ق، مکه امنیت زیادی به دست آورد. او توانست تا هر تازه‌وارد فتنه‌گری را بترساند و به این ترتیب امور مکه را به بهترین صورت انتظام داده امنیت را برقرار کند. در دوران حسن بن ابی نمی بر شمار حجاج افزوده شد. همچنان که عده زیادی به مکه کوچ کرده، در آنجا مجاور شدند و به این ترتیب شمار ساکنان شهر چندین برابر شد. پیش از آن، قاعده بر این بود که پس از ایام حج، منادی ندا می‌داد: «اهل شام به شام بروند و اهل یمن به یمن». اما وقتی حسن به امارت رسید، این قاعده را بر انداخت و همین امر سبب افزایش مجاورین شد (سباعی، ۱۳۸۵: ۴۲۰). اما این وضعیت دوام چندانی نداشت زیرا با مرگ حسن بن ابونمی به علت اختلافاتی که در سالهای بعد بین جانشینان او اتفاق افتاد، مکه در گیر سختی های فراوان گردید و خانه‌های اعیان و بزرگان از مجاورین غارت شد. (سباعی، ۱۳۸۵: ۵۵۲)

توجه شاهان صفوی به مجاورین حرمین شریفین هم از عوامل مؤثر در افزایش تعداد مجاورین حرمین به شمار می‌رود. این شاهان در وقف نامه های خود به زائرین و مجاورین حرمین هم توجه ویژه داشتند چنانکه شاه طهماسب در سال ۹۴۰ ق ضمن سفر به مشهد مقدس و ادای صیغه توبه، چنین اقدام نمود: «تمغای^۱ شوارع و بلدان، با سایر رسوم محدث در تمامی ممالک محروسه، معاف و مرفوع القلم گردانید و غیر از این هر سال چندین هزار تومان برای فقرا و متوطنان و طلبه علم و حفاظ و موزنان مکه مشرفه و مدینه منوره و مشاهد مقدسه ائمه طاهرین، مخفی و ظاهر می‌فرستند.» (محقق سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۴۳-۱۴۰) نامه صدر اعظم، رستم پاشا، در جواب وکلای شاه طهماسب که از آماسیه^۲ نامه فرستاده بودند و خواستار برات (مجوز) برای وقف در مکه و مدینه شدند نیز مؤید توجه شاهان صفوی به مجاورین حرمین شریفین وقف برای آنان می‌باشد. در این برات خواسته‌هایی که رستم پاشا توضیح می‌دهد عبارت بود از اینکه وقف برای حرمین چقدر است و به چه صورت باید باشد. (نوابی، ۱۳۵۰: ۲۵۷ و ۲۵۸)

شاه عباس اول توجه خاصی به سادات مجاور در مدینه داشتند؛ در وقف نامه شاه عباس اول آمده است: «نصف حاصل اجاره موقوفات مذکوره، در وظیفه و ارتزاق و مدد معاش سادات عالی درجات ابن حسینی که ساکن و عاکف مدینه طیبه مقدسه باشند، صرف شود به شرط آنکه وظیفه و مواجب نداشته و شیعه امامی اثنی عشری باشند.» (صفت گل، ۱۳۸۱: ۳۲۲) از موقوفات مدرسه سلطانی حق التولیه متولی شرعی صرف عتبات و حرمین شریفین، دوازده هزار دینار تبریزی بود. (صفت گل، ۱۳۸۱: ۳۳۵) در عباسنامه در مورد موقوفات حج شاه عباس دوم چنین آمده که شاه عباس دوم مبلغ هفتصد تومان از موقوفاتش را برای سادات بنی‌الحسین در حرمین شریفین وقف نمود تا هر ساله برایشان فرستاده شود. (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۲۲۴) همچنین شاه سلیمان هر سال از اجناس و اموال، مبلغ هشتاد هزار تومان به اماکن شریفه و آستان‌های متبرکه، مانند مکه مکرمه و مدینه منوره و مشهد مقدس می‌فرستاد. (افوخته ای نطنزی، ۱۳۷۳: ۱۵)

علاوه بر شاهان صفوی دیگر بزرگان و زنان خاندان صفوی هم در وقف نامه‌هایی به مجاورین حرمین شریفین توجه می‌کردند چنانکه وقف نامه ای در سال ۹۴۰ ق در استر آباد نوشته شده که در آن امیر سید لطیف شاه حسینی (د قرن ۱۰ ق)

^۱ . واژه ای ترکی- مغولی به معنای داغ، مهر و نشان. در اینجا به معنای گونه ای مالیات می‌باشد.
^۲ . شهری در شمال کشور ترکیه.

، روستای سید کلاته مشهور به سدن از محاق و ستاق استرآباد و همگی روستای فوجرد^۱ را با ملحقات آن بر زوار و ابناء السبیل زوار روضه مقدسه حضرت رسول اکرم (ص) وقف نموده است (جعفریان، ۱۳۸۲، ۶۹ و ۷۰: ۱۳۹) و یا تاجلو بیگم-شاه بیگی بیگم- یکی از دختران شاه اسماعیل صفوی به نوشته خلاصه التواریخ روستای حسن آباد ری را وقف مدینه منوره کرد و بعدها محصول آن صرف سادات مدینه می شد. (الحسینی القمی، ۱۳۸۳، ۱: ۲۹۰)

هر چند تمامی وقف ها، بخشش ها و هدایایی که دیگران برای ساکنان حرمین می فرستادند، زیر نظر عثمانی ها انجام می شد و آنها اجازه نمی دادند بیش از حد باشد ولی تمامی این وقف ها و بخشش ها در ایجاد شرایط مساعد برای مجاورت علما و دانشمندان در حرمین شریفین نقش مؤثری داشت و موجب فراغت بال و پرداختن آنان به اهداف معنوی می گردید.

۷- اقدامات مجاورین ایرانی حرمین شریفین در دوره صفویه

سکونت بسیاری از علمای شیعه در حجاز، به دلیل جاذبه روحی و دینی حرمین شریفین بود که سبب می شد آنان مجاورت آن دیار را بر نقاط دیگر ترجیح دهند. طبعاً به خاطر درگیری های مذهبی و سیاسی شیعه و سنی در آن عصر، آنان می بایست انتظار آن را نیز می داشتند که با آنان برخوردهای تند صورت گیرد. اصولاً این مسأله ربطی به ایرانیان شیعه مذهب نداشت، بلکه حتی شیعیان عرب مقیم سرزمین عثمانی نیز این مشکل را در طول حکومت ممالیک و سپس عثمانی ها داشتند. با وجود این مشکلات، بسیاری از علمای شیعه ایرانی، جبل عاملی، بحرینی، یا از اهالی قطیف و احساء در مکه یا مدینه زندگی می کردند. افزون بر آن شماری از علمای ایرانی برای انجام فریضه حج به مکه می رفتند و گاه تا چندین ماه در آن جا می ماندند. (جعفریان، ۱۳۷۹، ۲: ۸۴۶) علاوه بر جاذبه های روحی و دینی که افراد را به سمت مجاورت در حرمین شریفین سوق می داد، گاه عوامل سیاسی و امنیتی، افراد را ناگزیر به مجاورت در حرمین شریفین می کرد؛ در ماجرای ازدواج میر محمد معصوم حسینی دشتکی (د ۱۱۱۸ یا ۱۱۲۰ ق) با خواهر شاه عباس صفوی در راه حج، شاهد ترس میر محمد از شاه و مجاورت او در مکه بعد از فراغت از اعمال حج هستیم. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۲۳) با توجه به توضیحات داده شده مهمترین اقدامات مجاورین در حرمین شریفین را میتوان به صورت زیر بیان نمود:

۷-۱- عبادت و مناظره برای اثبات حقانیت شیعه

با توجه به فضای معنوی دو شهر مکه و مدینه، بی شک اولین هدف علما و دانشمندان ایرانی از رفتن به حرمین و مجاور شدن در آنجا راز و نیاز با خداوند و عبادت بوده است اما برخی از این علما هدف خود در دوران مجاورت را عبادت و اثبات حقانیت شیعه قرار می دادند همانطور که ملا حسین استرآبادی (د ۹۴۵ ق) در سال ۹۴۵ ق چنین کرد و جان خود را برای اثبات برحق گویی شیعه گذاشت. سبأی شرح کشته شدن این عالم را اینگونه بیان می کند: «در ۱۸ شوال سال ۹۴۵ ق یک بحث علمی میان یک عالم ایرانی با نام حسین استرآبادی با ملاعارف و شیخ ابوالمعین سمرقندی در مدرسه کلبرجیه در مجاورت باب صفا رخ داد. استرآبادی گفت که آیه «ان الله لایحب الخائنین»^۲ در شأن عمر نازل شده است. و افزود: از میان هفتاد و دو فرقه، تنها شیعه فرقه ناجیه است. بحث بالا گرفت. وی را به منزل قاضی رومی افندی مصلح الدین مصطفی حنفی

۱. به نظر می رسد فوجرد از توابع قم و یا گرگان امروزی باشد.

۲. انفال/ ۵۸

بردند. او گفت: من گفتم آیه «علم الله أنکم کنتم تختانون ... فالان باشروهن^۱» در موضوع روزه زنان، در باره عمر نازل شده است. اما آنان شهادت دادند که آیه نخست را گفت. مخالفان، قاضی را متهم کردند که رشوه خواهد گرفت و او را آزاد خواهد کرد. سروصدا بالا گرفت. فرمانده محمد بن عقبه او را گرفته بیرون آورد، اما از ترس اعتراضات، آن عجمی را رها کرد. برخی از رومیان با خنجر به او زدند و وی افتاد. در این وقت، عامه، استرآبادی را نزدیک خانه قاضی سنگسار کردند. قاضی برای حفظ جان، در خانه‌اش را بست. مردم جنازه آن مرد را آتش زده و سوزاندند به طوری که آتش تا شب ادامه داشت.» (سبائی، ۱۳۸۵: ۴۱۶)

دانشمند مجاور دیگر، میرزا محمد بن علی بن ابراهیم شیرازی استرآبادی (د ۱۰۲۶ق) مشهور به صاحب رجال از شاگردان مقدس اردبیلی بود. او که فقهی متکلم و از ثقات شیعه و پارسایان روزگار بود، ابتدا در نجف اشرف ساکن بود، سپس تا آخر عمر مجاور مکه گردید و به عبادت پرداخت و در سال ۱۰۲۶ ق در مکه درگذشت. (الافندی الاصفهانی، ۱۴۰۱ق، ۵: ۱۱۶)

شیخ علی بن محمد بن حسن بن شیخ زین الدین شهیدی جبعی عاملی اصفهانی (د ۱۰۳ق) از نوادگان شهید ثانی و یکی از علمای مجاور دوره صفویه می باشد. برادرش شیخ علی در الدر المنثور ذیل شرح حال او می نویسد: «معظم له فاضلی هوشمند و دانشمندی تیزرای و کاملی نیکبخت و پرهیزکاری پارسا بود. در آغاز در شهرهای جبل عامل از محضر شاگردان پدر و جدش استفاده کرد سپس به ایران آمد در اصفهان به خانه ی شیخ بهایی (د ۱۰۳ق) رفت و بعد از وفات او به مکه معظمه مشرف گردید و چندی از مجاورت بیت الله و عبادت بهره مند شد و سپس به جبل عامل بازگردید.» (خوانساری اصفهانی، ۱۳۶۰، ۵: ۱۹۹؛ آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۱۷۳ و ۱۸۰)

۷-۲- مکتوبات مکی

اندیشمندان شیعی هیچگاه از تألیف کتاب غفلت نکرده و در سفر و حضر به این مهم اشتغال یافته اند؛ کتاب های نگاشته شده در سفر حج خود شاهی بر این مدعاست. تألیف و استنساخ و ردیه نویسی از موضوعات قابل بررسی در مدت مجاورت ایشان در مکه و مدینه است. واثقی در التراث المکی کتاب ها و اجازاتی که به نوعی با مکه در ارتباط هستند جمع آوری کرده است. وی ۲۹۶ کتاب استنساخ شده و ۱۲۰ کتاب را که در این شهر تألیف شده اند ذکر می کند که البته تعدادی از آنها توسط ایرانیان مجاور در مکه نگارش شده است. جدول زیر اطلاعات بیشتری در مورد تألیفات ایرانیان مجاور در حرمین شریفین به ما می دهد، این جدول بیانگر این است که از بین مکتوبات مکی که توسط مجاورین ایرانی نوشته شده اند، بیشتر استنساخ کتب صورت گرفته است و بیشترین کتب تألیف یا استنساخ شده در زمینه فقه و حدیث بوده اند که خود حاکی از این است که فضای علمی غالب در مکه حدیثی و فقهی بوده است.

ردیف	موضوع	تألیف	استنساخ	ردیه نویسی	مجموع
------	-------	-------	---------	------------	-------

۱	فقه	۳	۷	۱	۱۱
۲	حدیث	۱	۹	-	۱۰
۳	رجال	۱	۵	-	۶
۴	ادبیات	۲	-	-	۲
۷	سفرنامه	۱	-	-	۱
۸	تفسیر	۲	۱	-	۳
۹	سایر (فلسفه، کلام، علم حساب و...)	۶	۱	-	۷
۱۰	مجموع	۱۶	۲۳	۱	۴۰

۷-۲-۱- تالیفات مکی

طولانی شدن سفر حج در کنار فضای معنوی حاکم بر مکه و مدینه شرایط مناسبی را برای نوشتن رساله و کتاب فراهم می کرد، از این رو برخی دانشمندان در کنار کسب فیض معنوی در مدت مجاور شدن خود به نگارش رساله و کتاب و یا ترجمه کتب مهم در موضوعات مختلف فقه، حدیث و کلام می پرداختند. در این بخش از نوشتار به کتابهای نگارش یافته توسط ده نفر از عالمان ایرانی مجاور حرمین شریفین اشاره می کنیم که بر اساس سال وفات این اندیشمندان سامان یافته است.

- عز الدین بن جعفر آملی

عز الدین بن جعفر آملی از عالمان سده دهم هجری معاصر شاه طهماسب صفوی، سالها در مکه مجاور بود و هنگام بازگشت از سفر حج در دمشق، رساله حسینییه را که در اثبات امامت علی بن ابی طالب علیه السلام و جانشینانش نوشته شده و تألیف ابراهیم بن ولی الله حسینی استرآبادی بود از اصل عربی، به سال ۹۵۸ ق به نام شاه طهماسب ترجمه کرد. (صفا، ۱۳۷۸، ۵: ۱۴۷۴)

- میرزای استرآبادی

میرزا محمد بن علی بن ابراهیم حسینی استرآبادی یا میرزای استرآبادی، عالمی متکلم، فقیه و ثقه و از عبّاد و زهّاد رجالی شیعی مذهب بود که بعد از وفات استادش، احمد بن محمد اردبیلی (مشهور به مقدس اردبیلی) در سال ۹۹۳ ق از نجف اشرف به مکه آمد و مجاور بیت الله گردید. او از احترام و محبت شریف مکه برخوردار بود و در طول اقامت در مکه بزرگانی اجازه خویش را از ایشان دریافت کرده اند که از آن جمله محمد امین استرآبادی است که بعدها دامادش می شود. از او سه اثر به نامهای رجال کبیر، رجال وسط و رجال وجیز بر جای مانده است. (الحر العاملی، ۱۳۶۲، ۲: ۲۸۱)

- شیخ بهائی

عالم بزرگ دوره صفوی شیخ بهاء الدین محمد عاملی معروف به شیخ بهایی (د ۱۰۳۱ ق) هم از دانشمندانی است که برای مدتی مجاور حرمین شریفین گردید. اسکندر بیگ ترکمان در مورد مجاورت این عالم فرهیخته چنین می گوید: « شوق ادراک سعادت حج بیت الله الحرام و زیارت روضه مقدسه حضرت خیر الانام و ائمه عالی مقام علیهم صلوات الله الملك

العلام گریبان گیر گشته قاید شوق عنان توجه او را بدانصوب در حرکت آورد رحل اقامت انداخته با علماء آن مرز و بوم بسر میبرد تا آنکه در بحرین اجل موعود رسیده بساط کتب خانه حیات را در نور دیده بمطالعه جریده عالم بقا پیوست...» (ترکمان، ۱۳۸۲، ۱: ۱۵۶) شیخ بهائی در سال ۹۹۱ ق به زیارت خانه خدا رفت و اثر معروفش «نان و حلوا» متأثر از این سفر نوشته شده است و از همین روی به آن نام «سوانح سفر الحجاز» را هم داده است. نان و حلوا، مثنوی ملمّع، چنان که از نامش پیداست در سفر حج و بر وزن مثنوی مولوی سروده شده است. (ناجی نصرآبادی، ۱۳۸۷، ۱: ۵۶۷) شیخ بهائی در ماه رمضان سال ۹۹۲ ق در راه بازگشت از حج به تبریز رفت و تا سال ۹۹۳ ق در تبریز ماند. از رباعیات شیخ بهائی، «آهنگ حجاز» است که به مساله دیدار خانه خدا و حج در آن پرداخته است. شیخ بهائی در این شعر سعی دارد به حقیقت حج و زیارت خانه خدا و کعبه و هدف زیارت بپردازد:

آهنگ حجاز می نمودم من زار کامد سحری به گوش دل این گفتار

یارب، به چه روی جانب کعبه رود گبری که کلیسا از او دارد عار (عاملی، بی تا: ۸۵)

- علامه محمد باقر مجلسی

علامه محمد باقر مجلسی (د ۱۱۱۰ ق)، از شاگردان فیض کاشانی و محمد مومن استرآبادی جلد بیست و دوم بحار الانوار را در سفر حج نگاشته است. در همین سفر حج بود که خاتون آبادی همراه علامه گردید تا از علم او بهره مند گردد. (جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵: ۲۵۵-۲۵۰)

- محمد امین استرآبادی

دانشمند دیگری که در سال ۱۰۳۶ ق در مکه وفات یافت، فاضل، محقق، متکلم، فقیه و محدث و رئیس اخباریان قرن یازدهم، محمد امین استرآبادی اخباری است. او که به محدث استرآبادی مشهور است در عنفوان جوانی به در نجف نزد محمد بن علی عاملی (صاحب مدارک) حدیث و رجال خواند، او را محضر میرزای استرآبادی نیز بهره برد و بعدها داماد ایشان گردید. (حر العاملی، ۱۳۶۲، ۲: ۲۴۶)

محمد امین چندین سال در مدینه به تحقیق و تنقیح و شرح احادیث و اخبار اهل بیت علیه السلام مشغول بود و بزرگانی از شیعه همچون ابراهیم بن عبدالله خطیب مازندرانی (د قرن ۱۱ ق)، زین العابدین بن نور الدین کاشانی (د ۱۰۴۰ ق) ف زین الدین محمد بن حسن بن شهید ثانی (د ۱۰۶۴ ق) از ایشان اجازه روایت گرفته اند. (سبحانی، ۱۴۱۸ ق، ۱: ۳۱۳) وی تألیفات متعددی دارد، از جمله کتاب «فوائد المدنیه» که در آن به شرح عقایدش پرداخته است اما اندکی بعد سید نور الدین علی (د ۱۰۶۸ ق) «شواهد المکیه» را در رد او نگاشت. (آقا بزرگ طهران، ۱۳۷۲، ۵: ۵۶) کتاب «فوائد المدنیه» حواشی محمد امین بر کتاب «تمهید القواعد» شهید ثانی (د ۹۶۶ ق) است که آن را در مکه نگاشته است، اما زانجا که این مطالب را در مدینه منوره استفاده کرده و فرا گرفته، آن را «فوائد المدنیه» نامید. (أفندی اصفهانی، ۱۴۱۰ ق: ۲۴۶)

سلافه العصر او را از نیکان عصر شمرده و با تمجید از وی گفته است که او مجاور مکه بود و در سال ۱۰۳۶ ق در

همین شهر وفات یافته است. (الامین، ۱۴۲۱ ق، ۹: ۱۲۷)

- زین العابدین کاشانی

زین العابدین کاشانی فقیه و محدث جلیل القدر که حدیث را از محضر محمد امین استرآبادی (۱۰۳۶ق) بهره برد. وی در سال ۱۰۴۵ ق به جرم شیعه بودن در مکه به شهادت رسید. او کتاب «مفرحه الانام فی تاسیس بیت الله الحرام» را به دو زبان فارسی و عربی در مورد بنای مجدد بیت الله به نگارش درآورد. پس از شهادتش او را در قبری که در مقبره ابوطالب برای خویش آماده کرده بود، کنار قبور میرزا محمد استرآبادی (۱۰۲۸ق) و میرزا محمد امین استرآبادی و شیخ محمد عاملی (۱۰۳۰ق) نوه شهید ثانی به خاک سپردند. (الافندی الاصفهانی، ۱۴۰۱ق، ۲: ۳۹۹ و ۴۰۰)

شمس الدین حسین بن محمد شیرازی (د پس از ۱۰۸۰ق) از علمای مجاور مکه که کتاب «تحفه الابرار و شرح دعای عرفه امام حسین علیه السلام» را در سال ۱۰۸۰ ق جمع آوری و کتابت کرده است و در آن حواشی بر دعای عرفه نگاشته است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ۴: ۲۰)

- میرزا محمد مومن استرآبادی

سید محمد مومن استرآبادی (داماد محمد امین استرآبادی (د ۱۰۸۷ق) از علمای مجاور مکه و محدث و اخباری بزرگ قرن یازدهم بود که به علت خصومت و دشمنی سنیان مکه در سال ۱۰۸۷ق به شهادت رسید. (خاتون آبادی، ۱۳۵۲: ۵۳۴) وی شاگرد میرزا محمد استرآبادی (د ۱۰۲۸ق)، مؤلف کتب رجالی بوده و به همراه استاد و استادِ استادش در مکه به سر می برده اند. محمد مؤمن، از ابراهیم بن عبد الله خطیب مازندرانی و سید زین العابدین کاشانی مؤسس کعبه مشرفه اجازه داشته و در مکه مکرمه برای مجلسی دوم و احمد بحرانی اجازه صادر کرده است و تاریخ اجازه وی به بحرانی سال ۱۰۸۱ق است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۲۷۴ و ۵۶۲) ایشان تعلیقاتی نیز بر مدارک الاحکام دارند و علاوه بر آن کتابهای دیگری را نیز در مکه مکرمه به رشته تحریر درآورده اند که از آن جمله می توان به «اثبات الرجعه و ظهور الحجه و الاخبار المأثوره فیها عن آل العصمه» اشاره کرد که در رجب سال ۱۰۶۹ق در مکه از تألیف آن فراغت یافت. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ۱: ۹۴)

- مولانا خلیل بن غازی قزوینی

مولانا خلیل بن غازی قزوینی (د ۱۰۸۹ق) محدث و کلامی ماهر دوره صفوی که اصالتاً از مردم قزوین و مورد احترام سلاطین صفوی بوده است. او پیش از اینکه سن سی سالگی را به اتمام برساند تولیت روضه ی مبارکه حضرت عبدالعظیم را در شهر ری و تدریس مدرسه آنجا را بر عهده داشت سپس به مناسبت پیش آمدی عزل شد به مکه رفته و چندی در آنجا مجاورت اختیار کرد و به تألیف حاشیه مجمع البیان اشتغال داشت. سپس به قزوین رفته و همانجا به تألیف و نشر علوم پرداخت. (خوانساری اصفهانی، ۱۳۶۰، ۳: ۷۱۲؛ آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۲۰۳ و ۲۴۸) این دانشمند در مدت مجاورتش در مکه اقدام به گردآوری تعلیقات ملا محمد امین استرآبادی کرد. (الافندی الاصفهانی، ۱۴۰۱، ۲: ۲۶۴) علاوه بر آن حاشیه ای هم بر مجمع البیان نوشته که طبق گفته حر عاملی ایشان در مکه مشغول تألیف این کتاب بوده اند.

- شمس گیلانی

از فلاسفه قرن یازدهم که مدتی در مکه مجاورت داشت می توان به شمس الدین محمد، معروف به شمس گیلانی (د قرن یازدهم قمری) اشاره نمود. وی از شاگردان شیخ بهائی و ملاصدرا بوده و در اصفهان زندگی می کرده، ولی کتاب «العلم الإلهی» یا «النوریه» را در سال ۱۰۴۸ ق در مکه معظمه تألیف نموده است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۲۶۶)

- فخرالدین طریح رماحی

دانشمند دیگر شیخ فخرالدین طریح رماحی مسلمی نجفی معروف به شیخ طریحی (د ۱۰۸۵ ق.) می باشد که در نجف اشرف ساکن بوده است و مدتی مجاورت مکه مکرمه را داشته است سپس به خراسان رفته و مدتی مجاورت آستان امام رضا علیه السلام را داشته و سپس به نجف اشرف بازگشته است. طریحی در کلیه سفرهای خود به تالیف و تصنیف مشغول بوده است چنانکه کتبی را در نجف و کتبی را در مکه و برخی را در خراسان و شهرهای دیگر به پایان آورده است از جمله کتاب ایضاح الحساب که شرح خلاصه الحساب است- تألیف شیخ بهائی- و در ۹ رجب سال ۱۰۸۳ ق در اصفهان به پایان رسیده است. رماحی در سال ۱۰۸۵ ق در رماحیه وفات یافت و جنازه اش به نجف اشرف حمل شد. (الامین، ۱۴۰۳ ق، ۸: ۳۹۴ و ۳۹۵)

- مصطفی بن محمد ابراهیم تبریزی

نوشتن سفرنامه حج نیز از کارهایی بود که برخی علما آن را انجام می دادند چنانکه مصطفی بن محمد ابراهیم تبریزی قاری (د ۱۰۸۰ ق)، سه مرتبه به حج مشرف شده و در حج دوم نزد اسماعیل قاری در مکه مکرمه علم قرائت قرآن آموخته است، او سفرنامه سومین حج خود را که به سال ۱۰۶۷ ق انجام شده، به نام «التحفة بین الحرمین» در حین بازگشت نگاشته است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۵۶۵)

۷-۲-۲- مستنسخات مکی

نسخه برداری از کتابهای ارزشمند کاری بود که برخی علما در هنگام مجاورت خود در مکه انجام می دادند و از رسوم شایع و متداول در بین علمای گذشته، بوده است که به آن استنساخ کتاب می گفتند. از مجموع ۲۹۶ کتاب استنساخ شده در مکه، تعدادی از این کتابها توسط ایرانیان مجاور در دوره صفویه استنساخ شده اند که در ادامه به ترتیب سال وفات به بیان آنها می پردازیم.

- محمد امین استرآبادی

محمد امین استرآبادی (د ۱۰۳۶ ق) دو کتاب «الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار» نوشته شیخ طوسی (واثقی، ۱۳۸۹: ۲۱۲) و «من لا یحضره الفقیه» را استنساخ نموده که تحریر کتاب دوم در سال ۱۰۱۷ ق پایان یافته است. (واثقی، ۱۳۸۹: ۳۵۲ و ۳۵۰)

- حسین بن محمد علی نیشابوری

حسین بن محمد علی نیشابوری مکی (د بعد از ۱۰۵۶ ق) که متولد نیشابور اما ساکن مکه بوده است. او را از اکابر علما و صلحای قرن یازدهم دانسته اند که مجاور مکه بوده و شاگردانی نیز داشته است. فرزند ایشان محمد باقر (د ۱۱۳۳ ق) نیز از علمای مکی و استاد رضی الدین بن محمد بن علی عاملی (د ۱۱۶۸ ق) بوده است. (سبحانی، ۱۴۱۸ ق، ۱۲: ۱۲۷) کتاب «جامع المقاصد فی شرح القواعد» و کتاب «مدارک الاحکام» توسط وی در مکه کتابت شده است. (واثقی، ۱۳۸۹: ۲۳۵ و ۳۱۶)

- شمس الدین حسین بن محمد شیرازی

شمس الدین حسین بن محمد شیرازی (د بعد از ۱۰۸۰ ق) از علمای مجاور مکه که علاوه بر کتابت به استنساخ کتب نیز پرداخته است چنانکه در سال ۱۰۴۹ ق از استنساخ کتاب «تلخیص الاقوال فی تحقیق الاحوال الرجال» فراغت می یابد

(واثقی، ۱۳۸۹: ۲۲۰) و در سال ۱۰۵۳ ق کتاب «السرائر» (واثقی، ۱۳۸۹: ۲۶) و در سال ۱۰۵۸ ق کتاب «الکافی» را استنساخ نموده است. (واثقی، ۱۳۸۹: ۳۰۰)

- ناصر الدین محمد بن احمد تونی

ناصر الدین محمد بن احمد تونی خراسانی (د ق یازدهم) که از مقابلات و کتاب هایی که وی استنساخ کرده است معلوم می شود که وی مدتی در مکه مکرمه سکونت داشته است. این اندیشمند کتاب «الکافی» را یکبار در سال ۱۰۱۶ ق و یکبار در سال ۱۰۱۷ ق استنساخ کرده است. همچنین کتاب فقهی «مسالك الافهام» نوشته شهید ثانی و کتاب «اجازه الحديث لبني زهره الحلبيين» توسط این اندیشمند استنساخ شده است (واثقی، ۱۳۸۹: ۱۵۲)

- امیر محمد باقر استرآبادی

محمد باقر بن فخر الدین احمد الموسوی استرآبادی (د ق یازدهم) که او را با عنوان امیر محمد باقر استرآبادی نیز می شناسند و نزد شاه عباس (حک ۱۰۳۸-۹۹۶ ق) جایگاه عظیمی داشته است. از آنجا که داماد شاه نیز بوده است او را السید الداماد هم گفته اند. او نوه دختری محقق کرکی (د ۹۴۰ ق) و خواهر زاده عبدالعالی کرکی می باشد که در اواخر سلطنت شاه عباس به دلیل کهولت سن در گذشت. (افندی الاصفهانی، ۱۴۱۰ ق: ۲۴۹) محمد باقر در سال ۱۰۱۵ ق از شیخ محمد بن حسن بن شهید ثانی اجازه دریافت کرده و رد همان سال کتابت «الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار» را به پایان می برد و در سال ۱۰۱۶ ق نیز آن را با چندین نسخه خطی از همان کتاب در مکه مقابله می کند. (واثقی، ۱۳۸۹: ۱۲۱ و ۱۹۲ و ۴۸۵) این اجازه نامه و استنساخ نشان می دهد ایشان یکی از فیهان شیعه در مکه بوده است که در اوایل قرن یازدهم می زیسته است.

- ابراهیم بن عبدالله الخطیب المازندرانی

ابراهیم بن عبدالله الخطیب المازندرانی (د ق یازدهم) که از اعلام قرن یازدهم بوده است که تهذیب الاحکام و الکافی را نزد محمد امین استرآبادی (د ۱۰۳۶ ق) خوانده است. او استاد محمد مومن استرآبادی نیز بوده است (سبحانی، ۱۴۱۸ ق، ۱۱: ۳۴۳) و کتاب حدیثی «قرب الاسناد» از استنساخات اوست. (واثقی، ۱۳۸۹: ۲۹۰)

- محمد علی بن عبدالله حسینی طبری

محمد علی بن عبدالله حسینی طبری (د ق یازدهم) که امام مقام ابراهیم علیه السلام در قرن یازدهم بوده است (الامین، ۱۴۲۱ ق، ۸: ۷۱) که کتاب «التوحید» شیخ صدوق را در سال ۱۰۴۰ ق کتابت کرده است و کتاب حدیثی «المحاسن» نیز در سال ۱۰۴۴ ق توسط ایشان کتابت شده است. (واثقی، ۱۳۸۹: ۲۲۶ و ۳۱۳؛ الامین، ۱۴۲۱ ق، ۸: ۷۱)

- اشرف محمد جوزی بن شهاب

اشرف محمد جوزی بن شهاب (د ق یازدهم)، شاگرد شمس الدین محمد بن خاتون عاملی از «کتاب الديون» تا آخر تهذیب الأحکام شیخ طوسی را در مکه استنساخ نمود و نزد استاد خود، محمد بن خاتون در مکه مکرمه خواند و استاد در پایان کتاب برای او چنین نگاشت: «وی- که خداوند توفیقاتش را استمرار بخشد و راه هر نیکی و فضیلت و کمالی را برای او آسان فرماید- قرائت آن را با تحقیق و استحکام و دقت به پایان برد و مشکلات آن را کاوید و پرده از روی فواید و اشاراتش گشود. خداوند فایده ها و بهره دهی وی را بسیار کند و عالمان عامل، چون او را زیاد گرداند، مکه مشرفه به تاریخ ۱۳ جمادی الثانی سال ۱۰۰۹ ق محمد بن احمد بن نعمه الله بن خاتون عاملی.» (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۵۰)

- احمد انصاری بن ادریس عاملی

احمد انصاری بن ادریس عاملی حسینی (د ق یازدهم)، از شاگردان شیخ محمد سبط، فرزند صاحب معالم، ساکن مکه مکرمه بوده و از «منتقى الجمان» تألیف صاحب معالم در سال ۱۰۱۷ ق در مکه مکرمه نسخه برداری کرده و آن را نزد استاد خود شیخ محمد سبط قرائت کرده است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۱۶)

- احمد بن قاسم شیرازی

دانشمند دیگری که به نسخه برداری در مکه پرداخته است احمد بن قاسم شیرازی (د ق یازدهم) است که همه کتاب «من لایحضره الفقیه» تألیف شیخ صدوق را استنساخ کرده و در ۱۲ ربیع الثانی ۱۰۲۴ ق جزء دوم آن را به پایان برده است. اگر چه در مورد مکان زندگی احمد بن قاسم چیزی گفته نشده ولی با توجه به این نکته که او همه آن کتاب را نزد استادش فضل الله بن محب الله دستغیب شیرازی خوانده و استاد بر آن نسخه، گزارش های زیادی نگاشته است (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۲۶-۲۵) و با توجه به این که استادش فضل الله دستغیب در مکه میزیسته و دو سال پیش از تاریخ فوق؛ یعنی در سال ۱۰۲۲ رجال کبیر استرآبادی را در مکه استنساخ کرده (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۴۴۱-۴۴۰) ظاهراً احمد بن قاسم شیرازی نیز در مکه مکرمه زندگی می کرده و در آن جا «من لایحضره الفقیه» را نسخه برداری کرده است.

- عیسی بن زین العابدین مازندرانی

از افراد دیگری که به استنساخ کتاب «من لایحضره الفقیه» در مکه پرداخته اند می توان به عیسی بن زین العابدین مازندرانی (د ق یازدهم) اشاره کرد که در مکه مکرمه به سر می برده و در آن جا همه کتاب «من لایحضره الفقیه» را استنساخ کرده و در ۱۹ شوال ۱۰۵۳ به پایان رسانده است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۴۲۳) همچنین احمد بن قاسم شیرازی (د قرن یازدهم قمری) همه کتاب «من لایحضره الفقیه» را نزد وی خوانده و استاد بر آن نسخه گزارش ها نگاشته است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۲۶ و ۲۵)

- ابراهیم احسائی بن علی بن عبد الله جبلی شیرازی

دانشمند دیگر ابراهیم احسائی بن علی بن عبد الله جبلی شیرازی (د ق یازدهم) است که «تفسیر فرات کوفی» را در دوران مجاورتش در مکه مکرمه استنساخ کرده و در روز سه شنبه ۲۲ ربیع الثانی ۱۰۸۳ ق از آن فراغت یافته است. احسائی سپس همان نسخه را در مکه در سال ۱۰۸۵ ق با عبد الله بن احمد انصاری مقابله کرده است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۲) محمد سلمان شریف صفوی (د ق یازدهم) نیز کتاب «ترتیب رجال النجاشی»، نوشته محمد تقی خادم انصاری را در مکه مکرمه استنساخ کرده و در ۲۶ ربیع الثانی ۱۰۲۴ ق کارش به اتمام رسیده است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۶۹)

- فضل الله دستغیب بن محب الله شیرازی

فضل الله دستغیب بن محب الله شیرازی (د ۱۰۷۷ق)، از شاگردان میرزا محمد استرآبادی، مؤلف کتب رجالی است. او رجال کبیر استاد خود را در زندگانی استاد در مکه مکرمه استنساخ کرده و ۲۷ رجب ۱۰۲۲ق آن را به اتمام رسانده است، سپس با نسخه اصل، به قلم مؤلف مقابله کرده و در اواخر شعبان ۱۰۲۲ق آن را به پایان برده است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۴۴۰-۴۴۱)

- حامد بن محمد استرآبادی

از خاندان استرآبادی شخصی به نام حامد بن محمد استرآبادی (د ق یازدهم) بن محمد جرجانی، بیش از پنج سال در مکه اقامت داشت و در آنجا تمام کتاب «کافی» کلینی را در چهار جلد از ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۰۲۵ تا اواسط رجب ۱۰۳۰ نسخه برداری کرده است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۱۳۰) به نظر می‌رسد که دانشمند مزبور پنج سال، از سالهای مجاورت خود در مکه مکرمه را به نسخه‌برداری کتاب مذکور گذرانده؛ زیرا در چند جای آن نسخه تاریخ زده است اما سالهای مجاورت وی در مکه بیشتر بوده است. علاوه بر این کتاب، کتاب رجالی «ترتیب مشیخه من لا یحضره الفقیه» را در زمان حیات مؤلف (میرزا استرآبادی (د ۱۰۲۸ق)) تحریر کرده است. (واثق، ۱۳۸۹: ۲۱۳)

۷-۲-۳- ردیه نویسی

حضور گسترده دانشمندان ایرانی و غیر ایرانی در حرمین موجب ایجاد فضای علمی مناسب و بیان نظرات علمی به صورت آزادانه گردیده بود چنانکه شمس الدین محمد شیرازی مکی (د ق یازدهم) که در مکه مجاور بود و به فراگیری علم پرداخته بود، پس از اینکه مولا خلیل قزوینی حاشیه خود بر «عده الاصول» را به وی داد در رد آن مطلب نوشت. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۲۶۸)

۷-۳- تعلیم و تعلّم

بعد از آگاهی از تألیف و استنساخ کتاب توسط عالمان بزرگ ایرانی مجاور در حرمین شریفین، می‌توان دریافت که ایشان در شهرهای مکه و مدینه مجالس درس نیز داشته‌اند. وجود مجالس درس از چند مطلب حکایت می‌کند: اول حضور جویندگان علم مؤید جمعیت قابل قبول محبین اهل بیت علیه السلام و شیعیان در مکه است؛ دوم اینکه شرایط به گونه‌ای بوده که علاوه بر برخی اهالی مکه، بعضی از علاقه‌مندان به علوم اهل بیت علیه السلام نیز با سفر به مکه در این مجالس شرکت داشته‌اند و نکته مهم دیگر اینکه در منابع مطلبی دال بر برگزاری مخفیانه این جلسات مشاهده نشده است. (صفری فروشانی و ابوطالبی، ۱۳۹۴، ش ۱۸: ۳۰ و ۳۱) در زیر برخی عالمان ایرانی که بین سالهای حکومت صفویه در مکه و مدینه به تعلیم و تعلّم پرداخته‌اند را بیان می‌شود. نکته حائز اهمیت در بررسی این مجالس این است که ایرانیان در قرن یازدهم در زمینه برپایی جلسات علم آموزی در حرمین شریفین بسیار فعال بوده‌اند و در این میان میرزا محمد استرآبادی نقش پررنگی در برگزاری مجالس علمی داشته‌اند.

یکی از دانشمندانی که در مکه برای یادگیری علم و دانش مجاور گردید، ملا محمد امین بن محمد شریف استرآبادی (د ۱۰۳۶ق) است؛ او ابتدا به نجف هجرت نمود و نزد علمای بزرگی به یادگیری علوم عقلی و نقلی پرداخت سپس در حدود سال ۱۰۱۴ق عازم مکه گردید و تا آخر عمر آن جا ساکن گردید. ملا محمد امین در مکه نزدیک ده سال نزد میرزا محمد استرآبادی به تحصیل علوم نقلی و رجالی پرداخت و در سال ۱۰۳۶ ق و به روایتی ۱۰۳۳ق در مکه درگذشت و در کنار مقابر عبدالمطلب و ابوطالب - جد و عموی پیامبر اعظم صلوٰه الله علیه و آله - به خاک سپرده شد. (البحرانی، بی نا: ۱۱۷؛ خوانساری اصفهانی، ۱۳۶۰، ۱: ۲۱۲؛ مقدم، ۱۳۹۲، ۱: ۶۱۶-۶۱۳) دانشمند دیگری که در مکه مجاور گردید و تا هنگام وفات برای علم آموزی مجاور مکه بود، ابوجعفر محمد بن حسن بن زین الدینی شهید ثانی مشهور به زین الدین (د ۱۰۳۰ق) است. این عالم ابتدا از محضر پدر ارجمندش و سید محمد موسوی عاملی مشهور به سید صاحب مدارک استفاده می کرد، پس از یادگیری علوم حدیث و اصول و کلام مدتی به مطالعه پرداخت سپس به مکه مکرمه مشرف شد و در آنجا به محضر میرزا محمد استرآبادی حضور پیدا کرد و فن حدیث را از او فرا گرفت سپس به بلاد جبل عامل بازگشت و اندکی در آنجا ماندگار شد پس از آن بر اثر بیمناکی از معاندان به عراق هجرت نمود و مدتی در کربلا به تدریس اشتغال داشت، بعد از آن به مکه رفت و در مراجعت مدتی را در عراق به سر برد. طولی نکشید موجبات خروج از عراق برای او به وجود آمد این دفعه نیز عازم مکه شده و در آنجا ماندگار شد تا اینکه در سال ۱۰۳۰ ق در سن پنجاه و سه ساگی رحلت نمود. (خوانساری اصفهانی، ۱۳۶۰، ۷: ۲۹۵ و ۲۹۶) علاوه بر این دو دانشمند، عالمان دیگری هم از محضر میرزای استرآبادی بهره برده اند که از آن جمله می توان به سید محمد باقر تبریزی (واثق، ۱۳۸۹: ۴۸۵)، محمد علی بن میر ولی حسینی (واثق، ۱۳۸۹: ۱۵۱)، علی رضا بن آقاجانی (واثق، ۱۳۸۹: ۱۴۵)، سید شرف الدین علی حسنی شولستانی، سید فضل الله دستغیب، صاحب بن علی استرآبادی، محمد سمان بن شیخ شاه شریف صفوی و ... اشاره کرد. (واثق، ۱۳۸۹: ۴۸۵، ۱۵۱، ۱۴۵، ۴۷۹، ۴۸۲، ۲۸۲، ۴۸۶) از محضر محمد بن حسن صاحب معالم (د ۱۰۳۰ق) هم عالمانی همچون سید بدر الدین بن احمد بن احمد ادیسی حسینی و شیخ صقر بن عباس (واثق، ۱۳۸۹: ۴۷۲ و ۱۲۸) بهره برده اند.

محمد امین استرآبادی علاوه بر فیض بردن از محضر میرزای استرآبادی خود مجالس درسی در مکه برگزار می کرده است و اندیشمندانی چون ابراهیم بن عبدالله مازندرانی، سید امیر عبدالهادی تستری، عبدالغفور طالقانی، حیدر بن محمود لنکری (واثق، ۱۳۸۹: ۲۴، ۹۹، ۴۷۸، ۱۰۱)، زین الدین محمد بن حسن (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ۱۱: ۱۱۴) و ... به علم آموزی در مجالس درس او پرداخته اند.

رحمت الله گیلانی حیدرآبادی (د ق یازدهم)، نویسنده کتاب «برهان القاری فی تجرید کلام الباری» به زبان فارسی است. او که در حیدر آباد هند سکونت داشته، در سال ۱۰۴۲ به حج رفته و تا سال ۱۰۴۵ در آن جا به سر برده نزد محمد قاسم قاری نجفی و فرزندش خیرالدین درس خوانده و از آنان اجازه گرفته است. وی در مکه نزد احمد حکمی نیز درس خوانده است. (آقا بزرگ طهران، ۱۳۷۲، ۵: ۲۱۷)

همچنین شیخ محمد بن علی بن محمد حرفوشی حریری (د ۱۰۵۹ ق) در مکه از سید نور الدین علی فرزند صاحب مدارک بخشی از کتب فقه و حدیث را فرا گرفت و علاوه بر او به درس عده ای از دانشمندان سنی و شیعه حضور پیدا می کرد. (خوانساری اصفهانی، ۱۳۶۰، ۷: ۳۳۳ و ۳۳۴)

۷-۴- تجدید بنای کعبه

علاوه بر آثار مکتوب و مجالس درس، گاه مجاورین ایرانی حرمین شریفین آثار غیرقلمی از خود به جا می گذاشتند که یکی از مهمترین این آثار تجدید بنای کعبه بوده است. یکی از عالمان امامی مقیم مکه در دوره صفویه سید زین العابدین کاشانی از فقها و محدثان جلیل القدر شیعه است. سید زین العابدین بن نور الدین بن امیر مراد حسینی کاشانی (د ۱۰۴۵ ق) از شاگردان ملا محمد امین استرآبادی بود که رساله ای به نام «مفرحه الانام فی تاسیس بیت الله الحرام» نوشته است و در آن نقش خود را در ترمیم و بازسازی خانه خدا که در سیل ۱۰۳۹ ق ویران شده بود، تشریح می کند. (الافندی الاصفهانی، ۱۴۰۱ ق، ۲: ۳۹۹ و ۴۰۰) جریان این سیل و اقدامات حکومت مکه و دربار عثمانی برای بازسازی کعبه در منابع دست اول بیان شده است اما آنها از این فقیه امامی نامی نبرده اند. (عصامی، ۱۴۱۹ ق، ۴: ۴۳۴) به نظر می رسد عبد علی عاملی از همکاران سید زین العابدین کاشانی در تجدید بنای کعبه مشرفه بوده است. این شخص کتاب «تلخیص الأقوال» از تألیفات میرزا محمد استرآبادی، مؤلف کتابهای رجالی را در کنار کعبه مشرفه در سال ۱۰۱۵ استنساخ کرده است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۳۳۱).

۷-۵- اجازات مکی

اجازه روایت حدیث، از جمله کارهایی که در هنگام مجاورت در مکه در کنار علم آموزی توسط عالمان دینی انجام می شد. یکی از اموری که همیشه مورد اهتمام روات بوده، منتهی شدن مرویات ایشان به معصومین علیه السلام است کما اینکه فقها نیز همیشه در تلاش بوده اند تا مراتب علمی خود را از حیث شاگردی و استادی ثبت نمایند. به عبارت دیگر نوشته ای که در آن نشان می دهد «مجاز» از چه کسی اجازه اجتهاد گرفته «مجیز» گفته اند و اینکه سلسله شاگردی او به چه بزرگانی ختم می شود را «اجازه» گفته اند. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ ق، ۱: ۱۳۱) این اجازات در واقع در حکم آن چیزی است که امروزه در مراکز دانشگاهی به آن «مدرک تحصیلی» اطلاق می شود، اجازه های فقهی و روایی در حقیقت بالاترین مدرک علمی در حوزه علوم دینی به حساب می آید. (صفری فروشانی و ابوظالبی، ۱۳۹۴، ش ۱۸: ۳۸) این اجازه ها طبقات فقها، اساتید و شاگردان ایشان و نیز میزان علم و فضل و وثاقت مجیز و مجاز را نشان می دهد و از همه مهمتر اتصال سند کتب و روایات را به صاحبان آنها بیان می نماید؛ لذا از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ ق، ۱: ۱۳۲) واثقی در التراث المکی بیش از یکصد اجازه را که به نوعی با مکه مرتبط است، آورده که ۳۲ فقره از این اجازه ها توسط عالمان ایرانی مجاور یا ساکن مکه صادر شده اند. (واثقی، ۱۳۸۹: ۱۷۶-۱۹) این اجازه ها توسط لبنانی ها (۳۵ مورد) و ایرانی ها (۳۴ مورد) صادر شده است و در میان ایرانیان استرآبادی ها بیشترین تعداد اجازه (۲۵ مورد) را به خود اختصاص داده اند. در میان اجازات های مکی، بیشترین اجازه ها توسط نور الدین علی عاملی (۱۷ مورد) و پس از ایشان میرزای استرآبادی (۱۱ مورد) و کمترین آنها توسط حاج حسین نیشابوری مکی (۱ مورد) صادر شده است. (صفری فروشانی و ابوظالبی، ۱۳۹۴، ش ۱۸: ۳۹) جدول زیر به صورت کلی اجازه های صادر شده ایرانیان مجاور مکه را در دوره صفویه را به نقل از التراث المکی نشان می دهد:

ردیف	اجازه دهنده	تعداد اجازه
۱	میرزای استرآبادی (د ۱۰۲۸ق)	۱۱ فقره
۲	محمد امین استرآبادی (د ۱۰۳۶ق)	۹ فقره
۳	محمد باقر بن حسین نیشابوری (قرن یازدهم)	۵ فقره
۴	زین العابدین کاشانی (د ۱۰۴۰ق)	۳ فقره
۵	میرزا محمد مومن استرآبادی (د ۱۰۸۷ق)	۳ فقره
۶	حسین بن محمد علی نیشابوری مکی (د ۱۰۵۶ق)	۱ فقره

در ادامه به بیان مختصری از برخی از این اجازه ها می پردازیم. سید محمد مومن استرآبادی (داماد محمد امین استرآبادی (د ۱۰۸۷ق) از علمای مجاور مکه و محدث و اخباری بزرگ قرن یازدهم بود که به علت خصومت و دشمنی سنیان مکه در سال ۱۰۸۷ق به شهادت رسید. (خاتون آبادی، ۱۳۵۲: ۵۳۴) وی شاگرد میرزا محمد استرآبادی (د ۱۰۲۸ق)، مؤلف کتب رجالی بوده و به همراه استاد و استاد استادش در مکه به سر می برده اند. محمد مؤمن، از ابراهیم بن عبد الله خطیب مازندرانی و سید زین العابدین کاشانی مؤسس کعبه مشرفه اجازه داشته و در مکه مکرمه برای مجلسی دوم و احمد بحرانی اجازه صادر کرده است و تاریخ اجازه وی به بحرانی سال ۱۰۸۱ق است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۲۷۴ و ۵۶۲)

ابراهیم همدانی (د ۱۰۲۶ق)، پس از یک سال مجاورت در مکه مکرمه، از شمس الدین محمد عینائی، که در مکه ساکن بوده، اجازه گرفته است. (بحرانی، بی نا: ۱۱۵؛ آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۵۳۱)

محمد علی اصفهانی (د قرن یازدهم قمری)، نزد شیخ بهایی و میرزا محمد استرآبادی رجالی، شاگردی نموده و از او در سال ۱۰۱۵ق اجازه دریافت کرده است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۳۷۶) با توجه به مجاورت استرآبادی در آن سالها در مکه مکرمه، ظاهراً آن اجازه در مکه صادر شده و اصفهانی مدتی را نزد وی در مکه درس خوانده است. سید حسین بن سید حیدر عاملی اصفهانی (د قرن یازدهم قمری) یکی از دانشمندانی بود که در مکه به این افتخار نائل گردید. او در اصفهان قاضی بوده و چند سالی در مکه زندگی می کرده است. در سال ۱۰۲۹ق از فخر الدین محمد بن حسن نوه شهید ثانی که در مکه مجاور بوده است، اجازه روایت حدیث کسب نموده است. (الافندی الاصفهانی، ۱۴۰۱ق، ۱: ۸۹) همچنین میر عبدالحسین خاتون آبادی (د ۱۱۰۵ق) - مؤلف کتاب وقایع السنین و الاعوام- از محدثان و مفسران و مورخان به نام دوره صفویه، در مکه اجازه حدیث را از میر محمد مومن استرآبادی دریافت کرده است. (مهدوی، ۱۳۸۶، ۴: ۱۴۳)

۷-۶- تصدی مناصب حکومتی

از نکات جالب توجه در مورد مجاورت در مکه تصدی مقام های حکومتی در مکه توسط برخی ایرانیان بوده است چنانکه میرزا مخدوم شریفی (د قرن دهم قمری) مردی فاضل بود که در آغاز، و گویا به مصلحت، دعوی تشیع می کرد. خطیب بود و در خطبه های خود به سنیان دشنام می داد. پس از مرگ شاه اسماعیل دوم به روم رفت و مذهب حنفی آشکار کرد و به همین سبب دربار عثمانی بدو منصب قضای مکه و عراق داد و سالها در مکه سمت حاکم عالی شرع مذهب حنفی را برعهده داشت تا اینکه همانجا رحلت نمود. (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۷۶؛ ترکمان، ۱۳۸۲، ۱: ۲۲۰-۲۱۳؛ صفا، ۱۳۷۸، ۵: ۲۷۳) به نظر می رسد این تصدی حتی اگر بر اساس شایستگی های میرزا مخدوم باشد بیشتر پاداشی برای تغییر مذهب او بوده است..

علی نقیب بن تقی بن علی شدقمی (د قرن یازدهم قمری) نیز از علمایی است که در مدت اقامتش در مکه به نقابت سادات حسینی منصوب گردید؛ او ابتدا در اصفهان به سر می برده، سپس به استانبول رفته و از آنجا به قاهره سفر کرده است. در سال ۱۰۶۵ ق به حج رفته و به زید بن محسن بن حسن بن ابی نمی، حاکم مکه و مدینه پیوسته و به نقابت سادات حسینی منصوب شده و سپس در سال ۱۰۸۱ ق از سمت نقابت عزل شده است. وی مدتی نیز در مدینه منوره بوده است. (آقا بزرگ طهرانی، ۱۳۷۲، ۵: ۴۱۷-۴۱۸)

۸- مجاورت شعرا در حرمین شریفین

به علت حمایت دربار گورکانی از شعرا، شعرا در دوره صفویه اغلب به هندوستان مهاجرت می نمودند ولی در بین شاعران این دوره به نام شاعرانی بر می خوریم که به دلیل تمایلات مذهبی خود مجاورت در مکه را برای زمانی کوتاه یا طولانی برگزیدند. محمد رضا پاشا تبریزی (د ۱۰۳۴ق) یکی از شعرای دوره صفویه و از بنی اعمام محمد حسین چلبی است که در اصفهان سکونت داشت. محمد رضا در اوایل جوانی همراه پدر خود به روم رفته و بر اساس قابلیت که داشت، پاشای مصر شده است اما از اهالی مصر آسیب زیادی به او رسید، بعد از آسیب هایی که دید پاشای حبشه هم شد و از آنجا به مکه رفته و در آنجا اقامت داشت تا اینکه فوت شد. (نصرآبادی، ۱۳۵۲: ۶۹)

محمد صادق ناظم تبریزی (د قرن ۱۱ق) ساکن عباس آباد اصفهان از شاعران دوره صفوی است که خود را از قید تعلقات فارغ ساخت و مدتی در مکه مکرمه مجاور گردید و به عبادت و مجالست اهل حال می پرداخت و در این مدت تذکره مختصری هم نوشت. (نصرآبادی، ۱۳۵۲: ۴۱۲)

یحیی سبزواری (د ۱۰۳۵ق) یکی دیگر از شاعران دوره صفوی است که در نظم و نثر قدرتی داشته است. ابتدا منشی تورم خان اوزبک بود و همراه او به شیراز آمده و بعد از مرخص شدن به عراق رفت و از آنجا به مکه رفته و مدت پانزده سال در آن مکان شریف ساکن بود. حاجی محمد مکی هم از شاعران اصفهانی است که نهایت درویشی و ساده زیستی را داشت. او ابتدا به مکه و سپس به هندوستان رفت و از آنجا باز مجدد به مکه بازگشت و مدت بیست و دو سال در آنجا سکونت داشت و پس از آن به یمن رفته و در آنجا عتیقه فروشی می کرد اما پس از فوت شریف مکه و شورش در آنجا مجدداً به اصفهان بازگشت. (نصرآبادی، ۱۳۵۲: ۴۲۸) حاجی محمود هم یکی دیگر از شاعران دوره صفویه است که اصلش از اصفهان می باشد و چند سال به مکه مکرمه رفته و سپس به هند رفت و بعد از مدتی باز به مکه معظمه رفته و از آنجا به بروجرد رفته و مدتی هم در اصفهان بود. حاجی محمود حفظی تخلص دارد. (نصرآبادی، ۱۳۵۲: ۴۰۹) سرگذشت شعرای مجاور حرمین در دوره صفویه بیانگر این مطلب است که آنان علاقه زیادی به سفر و مجالست با مردم مناطق مختلف داشته اند و اغلب در کنار مجاور شدن در حرمین مدتی هم به هند رفته اند.

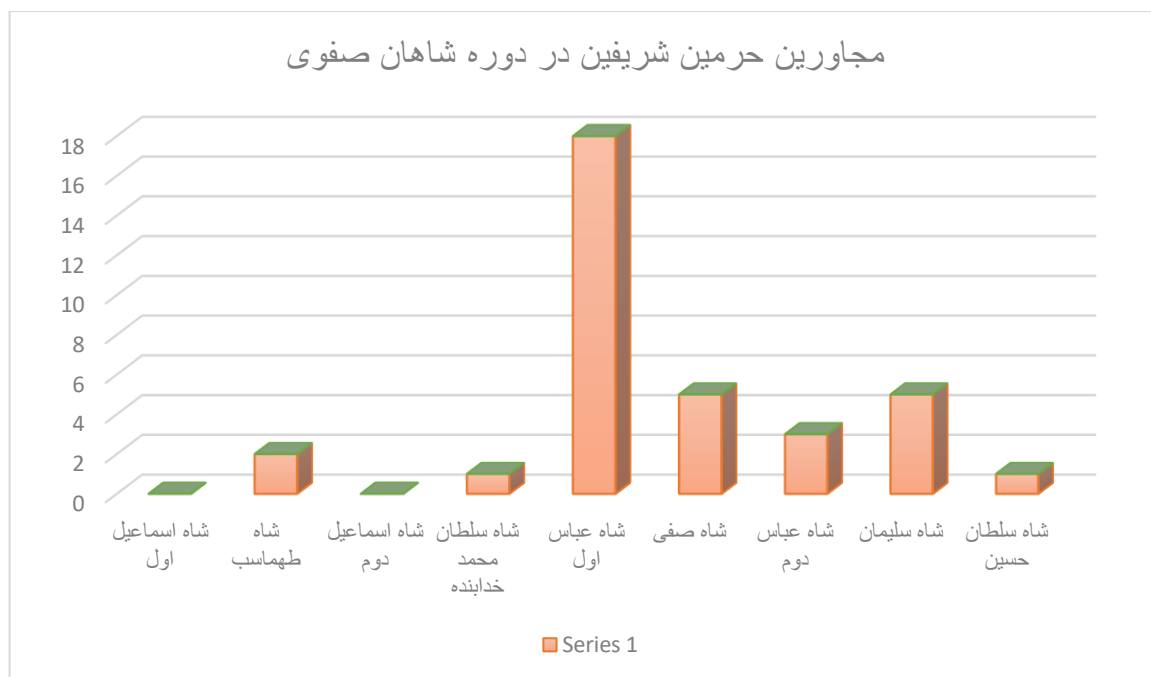
نتیجه:

مجاورت در حرمین شریفین و مخصوصا مکه از گشته های دور حائز اهمیت بوده است و افراد زیادی اعم از ایرانی و غیر ایرانی در جوار دو حرم شریف ساکن شده و چه بسا تا زمان فوت آنجا بوده اند. وضعیت مجاورین حرمین شریفین به دلیل نداشتن درآمد مالی ارتباط مستقیمی با نذرها و موقوفات و حمایت های مالی شاهان و سلاطین و مردم داشت؛ از همین رو در طول تاریخ شاهد توجه خلفا و سلاطینی همچون معتضد عباسی، عضد الدوله دیلمی، آل حسنویه و سلطان ملکشاه سلجوقی به مجاورین حرمین شریفین هستیم. علاوه بر حمایت های مالی برخورد حاکمان مکه نیز در وضعیت مجاورین مؤثر بود چنانکه در دوره حاکمان و شرفای مقتدر، مجاورین از امنیت و راحتی خوبی برخوردار بودند.

با تشکیل دولت صفویه در قرن دهم، علی رغم سیطره عثمانیان بر مکه و مشکلات و سختی های شیعیان در حرمین شریفین، شاهد مجاورت ایرانیان مسلمان در حرمین شریفین هستیم. در آن زمان دو عامل در ایجاد امنیت جانی و مالی مجاورین و افزایش تعداد مجاورین حرمین شریفین تاثیر داشت: یکی توجه برخی شرفای مکه به مجاورین و دوم حمایتی که از سوی شاهان و بزرگان صفوی در قالب وقف و نذورات به زوآر و ساکنان حرمین شریفین می گردید.

فضای معنوی و علمی حاکم بر مکه و مدینه موجب گردیده بود عالمان و اندیشمندان زیادی در جوار دو حرم مکه و مدینه ساکن شوند و در مدت مجاورت به عبادت و نوشتن کتاب، استنساخ کتاب، اجازه دادن یا گرفتن و کارهای غیر نوشتاری بپردازند. بررسی اقدامات انجام شده توسط ایرانیان مجاور در حرمین نشان از فعالیت و نقش پررنگ اندیشمندان ایرانی دوره صفویه در زمینه های مختلف علمی از جمله فقه و حدیث دارد، به گونه ای که در برخی زمینه های علمی مجاورین ایرانی در رتبه بعد و یا هم سطح از عالمان جبل عامل قرار دارند. این مجاورین بیشترین فعالیت را در زمینه علم حدیث داشته اند که این خود بیانگر فضای علمی غالب در مکه و مدینه می باشد که به علم حدیث متمایل بوده است و نشان از گرایش بیشتر مکه به اخباری گری دارد تا به عقل گروی. مؤید این مطلب جایگاه پایین تر علم کلام در بین مکتوبات و یا تدریس های صورت گرفته است که خود بیانگر رابطه نسبتا مسالمت آمیز شیعیان و اهل سنت علی رغم برخی اختلافات و کینه توزی ها است.

در انتها بررسی فراوانی مجاورت علما در دوره شاهان صفوی بیانگر این مطلب است که اوج مجاورت علما در حرمین در قرن یازدهم و در دوره شاه عباس اول دیده می شود که حکومت صفوی در اوج اقتدار قرار دارد و احتمالا شرایط مناسبی برای مجاورین حرمین مهیا بوده است. در دوره قبل از شاه عباس به دلیل عدم توجه و یا توجه کمتر به مجاورین، تعداد اندکی از افراد در حرمین مجاور می شدند. در دوره بعد از شاه عباس با وجود کمتر بودن تعداد مجاورین نسبت به دوره شاه عباس، به دلیل توجه شاهان صفوی به مجاورین افرادی در حرمین مجاور شده اند.



فهرست منابع

- ۱- آقا بزرگ طهرانی، محمد حسین، (۱۳۷۲). *طبقات أعلام الشیعه*، به کوشش علی نقی منزوی، قم، انتشارات اسماعیلیان، ج ۵.
- ۲- آقا بزرگ طهرانی، (محمد حسین)، (۱۴۰۳ق)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت، دارالأضواء، ج ۱ و ۴.
- ۳- أزرقي، محمد بن عبدالله، (۱۴۱۶ق). *اخبار مکة وما جاء فيها من الآثار*، مصحح رشدی صالح ملحس، دارالاندلس، بیروت، ج ۱.
- ۴- ابن اثیر، عز الدین علی، (۱۳۷۱). *الکامل*، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ج ۲۱.
- ۵- ابن ایاس، محمد بن احمد، (۱۴۰۲ق)، *بدائع الزهور فی وقایع الدهور*، محقق محمد مصطفی، قاهره، الهيئه المصريه العامه للكتاب.
- ۶- ابن خلدون، (۱۳۶۳). *تاریخ ابن خلدون*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج ۴.
- ۷- ابن رسته، احمد بن عمر و یعقوبی، احمد بن اسحاق، (۱۸۹۲م). *الاعلاق النفیسه و کتاب البلدان*، بیروت، دار صادر، ج ۱.
- ۸- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، (۱۳۶۰). *الفخری*، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- ۹- ابن مسکویه، ابو علی، (۱۳۷۶). *تجارب الامم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، نشر توس، ج ۶.
- ۱۰- ابن هشام، (۱۳۷۵)، *زندگانی حضرت محمد صلی الله علیه وآله*، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران، انتشارات کتابچی، ج ۲.
- ۱۱- افوشته ای نطنزی، محمود بن هدایت الله، (۱۳۷۳). *نقاوه الآثار فی ذکر الأخیار در تاریخ صفویه*، مصحح احسان اشراقی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- ۱۲- الافندی الاصفهانی، عبدالله بن عیسی، (۱۴۰۱ق). *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، تصحیح سید احمد الحسینی، قم، مطبعه خیام، ج ۵، ۲، ۱.
- ۱۳- الامین، السید المحسن، (۱۴۰۳ق). *أعیان الشیعه*، تحقیق حسن الامین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات البیروت، ج ۹، ۸، ۴، ۳، ۱.
- ۱۴- البحرانی، شیخ یوسف بن احمد، (بی تا)، *لؤلؤ البحرین فی الاجازات و تراجم رجال الحدیث*، محقق سید محمد صادق بحر العلوم، قم، موسسه آل بیت لاحیاء التراث.
- ۱۵- البلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، (۱۴۱۷ق). *کتاب جمل من انساب الاشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ج ۱.

- ۱۶- الحر العاملي، محمد بن حسن، (۱۳۶۲). *أمل العامل في علماء جبل العامل*، تصحيح احمد حسيني شكوري، بغداد، مكتبة الاندلس، ج ۴.
- ۱۷- الحسيني القمي، قاضي احمد بن شرف الدين الحسين، (۱۳۸۳). *خلاصه التواريخ*، مصحح احسان اشراقي، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۲ و ۱.
- ۱۸- الفاسي، محمد بن احمد، (۱۴۱۹ق). *العقد الثمين في تاريخ البلد الامين*، تصحيح محمد عبدالقادر احمد عطا، دار الكتب العلميه، بيروت، ج ۶.
- ۱۹- باسورث، ادموند كليفورد، (۱۳۸۱). *سلسله های اسلامي جديد راهنمای گاه شماری و تبار شناسی*، ترجمه فريدون بدره ای، تهران، مرکز باستان شناسی اسلام و ایران.
- ۲۰- بلعمی، (۱۳۷۳). *تاریخنامه طبري*، محقق محمد روشن، تهران، انتشارات البرز، ج ۴.
- ۲۱- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسين، (۱۳۷۴). *تاریخ بیهقی*، مصحح خليل خطیب رهبر، تهران، انتشارات، مهتاب، ج ۲.
- ۲۲- ترکمان، اسکندر بیگ، (۱۳۸۲). *تاریخ عالم آرای عباسی*، مصحح ایرج افشار، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج ۳، ۲، ۱.
- ۲۳- جعفریان، رسول، (۱۳۷۹). *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*، قم، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ج ۱، ۲، ۳.
- ۲۴- جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، (۱۳۸۵). *گلشن ابرار، خلاصه ای از زندگی اسوه های علم و عمل*، قم، نشر معروف.
- ۲۵- حنبلي، ابن العماد شهاب الدين ابوالفلاح عبدالحی بن احمد العکری، (۱۴۰۶ق). *شذرات الذهب*، محقق الأرناؤوط، بيروت، دار ابن کثیر، ج ۵.
- ۲۶- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی حصیل مسائل الشریعه*، تحقیق محمد رضا الحسینی جلالی، قم، موسسه آل بیت علیه السلام لاحیاء التراث، ج ۹.
- ۲۷- خاتون آبادی، سید عبدالحسین الحسینی، (۱۳۵۲). *وقایع السنین و الاعوام*، مصحح محمد باقر بهبودی، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- ۲۸- خوانساری اصفهانی، میر سید محمد باقر، (۱۳۶۰). *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ج ۷، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱.
- ۲۹- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۱۳.
- ۳۰- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، (۱۴۱۳ق). *تاریخ الاسلام و وفيات المشاهير و الاعلام*، محقق عمر عبدالسلام تدمری، بيروت، دارالکتب العربی، ج ۲۶.
- ۳۱- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، (۱۳۶۴). *راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق*، مصحح محمد اقبال و مجتبی مینوی، تهران، انتشارات امیر کبیر.

- ۳۲- زمچی اسفزاری، معین الدین محمد، (۱۳۳۸). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، مصحح سید محمد کاظم امام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱.
- ۳۳- سباعی، احمد، (۱۳۸۵). *تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه ۱۳۴۴*، ترجمه رسول جعفریان، تهران، نشر مشعر.
- ۳۴- صدر، سید حسن، (۱۴۲۹ق). *تکمله أمل الآمل*، جبل عامل، دارالمورخ عربی، ج ۵.
- ۳۵- صفا، ذبیح الله، (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران، انتشارات فردوس، ج ۵.
- ۳۶- صفت گل، منصور، (۱۳۸۱). *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی (تاریخ تحولات دینی ایران در سده های دهم تا دوازدهم قمری)*. تهران، خدمات فرهنگی رسا.
- ۳۷- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر، ج ۱۶.
- ۳۸- طریحی، فخرالدین محمد، (۱۳۶۲)، *مجمع البحرين*، تحقیق احمد الحسینی، تهران، نشر مرتضوی، ج ۱.
- ۳۹- عاملی، بهاءالدین محمد، (بی تا). *کلیات اشعار*، به کوشش لامحسین جواهری، بی جا، انتشارات سنایی.
- ۴۰- عصامی، عبدالملک بن حسین، (۱۴۱۹ق)، *سمط النجوم العوالی فی أنباء الاوائل و التوالی*، محقق علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ج ۴.
- ۴۱- عمید، حسن، (۱۳۸۹). *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، راه رشد.
- ۴۲- فعالی، محمد تقی، (۱۳۸۶). *اسرار عرفانی حج*، تهران، انتشارات مشعر.
- ۴۳- مجهول المؤلف، (بی تا). *مجمل التواریخ و القصص*، محقق ملک الشعرا بهار، تهران، انتشارات کلاله خاور.
- ۴۴- محقق سبزواری، ملا محمد باقر، (۱۳۸۳). *روضه الانوار عباسی (در اخلاق و شیوه کشورداری)*، تهران، میراث مکتوب.
- ۴۵- مستوفی، حمد الله بن ابی بکر بن احمد، (۱۳۶۴). *تاریخ گزیده*، محقق عبدالحسین نوائی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۴۶- مستوفی بافقی، محمد مفید، (۱۳۸۵). *جامع مفیدی*، مصحح ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر، ج ۱.
- ۴۷- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، (۱۳۷۴)، *مروج الذهب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱.
- ۴۸- معین، محمد، (۱۳۸۱). *فرهنگ معین*، تهران، کتاب راه نو، ج ۲.
- ۴۹- مقدم، محمد باقر، (۱۳۹۲). *اثر آفرینان استرآباد و جرجان (استان گیلان)*. تهران، موسسه انتشارات کتاب نشر، ج ۱.
- ۵۰- مهدوی، مصلح الدین، (۱۳۸۶). *اعلام اصفهان*، مصحح غلامرضا نصر اللهی، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ج ۴.
- ۵۱- ناجی نصرآبادی، سید محسن، (۱۳۸۷). *کتابشناسی شیخ بهائی*، مشهد، آستان قدس رضوی، ج ۱.
- ۵۲- نصر آبادی، میرزا محمد طاهر، (۱۳۵۲). *تذکره نصرآبادی*، مصحح وحید دستگردی، تهران، کتابفروشی فروغی.

- ۵۳- نظام الملک، حسن بن علی، (۱۳۷۸). *سیر الملوک* (سیاست نامه)، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵۴- نوایی، عبدالحسین، (۱۳۵۰). *شاه طهماسب صفوی مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت های تفصیلی*، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۵۵- واثقی، حسین، (۱۳۸۹)، *التراث المکی* (الاجازات، استنساخات، المؤلفات و...)، قم، دانش حوزه.
- ۵۶- وحید قزوینی، محمد طاهر، (۱۳۲۹). *عباسنامه*، تصحیح ابراهیم دهگان، اراک، کتابفروشی داوودی.
- ۵۷- وحید قزوینی، میرزا محمد طاهر، (۱۳۸۳). *تاریخ جهان آرای عباسی*، مصحح سید سعید میر محمد صادق، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۵۸- هیتمی، أحمد بن محمد بن علی بن حجر، (۱۴۱۷ق). *الصواعق المحرقة علی أهل الرض والضللال والزندقه*، المحقق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - کامل محمد الخراط، لبنان، مؤسسة الرسالة، ج ۱.

مقاله:

- ۱- جعفریان، رسول، (۱۳۸۲). " *خاطراتی از سفرهای حج از دوره صفوی* "، نشریه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۶۸ و ۶۹، خرداد و تیر، صص ۱۳۹-۱۳۳.
- ۲- صفری فروشانی و ابوظالبی، نعمت الله و عمار، (۱۳۹۴)، *جایگاه آثار اندیشمندان امامی مکی در گسترش فضای علمی در مکه در قرن ۱۱ و ۱۲*، فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۱۸، صص ۴۶-۷.